

تأثیر محیط زیست طبیعی در انتخاب نام مناطق مسکونی

مجید طامه^{۱*}

majidtamah@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: اهمیت محیط زیست در زندگی روزمره بشر به گونه‌ای است که در جزئی‌ترین تا کلی‌ترین امور مربوط به انسان دارای نقش اساسی است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مختص انسان که هم از محیط زیست متأثر می‌شود و هم در حفظ و یا زوال محیط زیست نقشی پررنگ دارد زبان است. محیط زیست در لایه‌های متفاوت واژگانی، صرفی و نحوی زبان تأثیر می‌گذارد و سبب شکل‌گیری انگاره‌های ذهنی‌ای می‌شود که به نوبه خود نگرش‌های متفاوتی نسبت به محیط زیست را در ذهن گویشوران خلق می‌کند. در بخش واژگان زبان، جای‌نام‌ها به لحاظ طرز تلقی گویشوران یک زبان نسبت به محیط زیست قابل اعتنا هستند. در میان جای‌نام‌ها نیز نام مناطق مسکونی که بخشی از زیست‌بوم اصلی انسان را تشکیل می‌دهند و جنبه‌های متفاوتی از محیط فرهنگی و زیستی انسان در آن نمود می‌یابد به لحاظ تأثیر محیط زیست در انتخاب آنها درخور توجه‌اند.

روش بررسی: در این تحقیق، گردآوری اطلاعات و داده‌ها با روش کتابخانه‌ای و با استفاده از متون مرتبط انجام گرفته و داده‌ها با روشی توصیفی و تحلیلی بررسی شده‌اند.

یافته‌ها: یافته‌های این تحقیق نشانگر آن است که در انتخاب نام مناطق مسکونی در ایران، محیط زیست طبیعی نقشی اساسی داشته و همین امر نشان‌دهنده دغدغه‌های ذهنی گزینندگان و به‌کاربرندگان این نام‌ها نسبت به محیطی بوده‌است که در آن زندگی می‌کرده‌اند. در عین حال این رویکرد در انتخاب نام مناطق مسکونی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم منجر به توجه به محیط زیست و حفظ و پایداری آن شود. **بحث و نتیجه‌گیری:** نام‌های مناطق مسکونی علاوه بر آنکه به لحاظ زبانی درخور توجه‌اند به لحاظ زیستی محیطی نیز شایسته بررسی و تحلیل هستند، چراکه بسیاری از واژه‌هایی که در ساخت نام مناطق مسکونی به کار می‌روند متأثر از شرایط جغرافیایی، زیستی و سایر مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی هستند. از آنجاکه این نام‌ها برپایه فرهنگی شکل می‌گیرند که خود تابع محیطی است که گویشوران در آن زندگی می‌کنند، با بررسی آنها می‌توان تأثیر جغرافیا و محیط زیست را در شیوه نام‌گذاری آنها بازشناخت و از این طریق اشتراکات و افتراقات فکری مردم ساکن در یک ناحیه را مشخص کرد. از همین رو می‌توان گفت که فراوانی واژه‌هایی چون آب، رود، کوه، جنگل، و نام‌های گونه‌های گیاهی و جانوری در نام مناطق مسکونی مصداق روشنی است بر اهمیت محیط زیست برای ایرانیان. داده‌های بررسی شده نشان می‌دهد که رویکرد بوم‌محورانه در انتخاب نام‌های مناطق مسکونی ایران رویکرد غالب است.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، زیست‌بوم طبیعی، نام مناطق مسکونی، نام‌گذاری.

The influence of Natural Environment in choosing of the Names of Residential Places

Majid Tame ^{1 *}

majidameh@gmail.com

Admission Date: August 16, 2023

Date Received: May 2, 2023

Abstract

Background and Objective: The importance of environment in human's daily life is such that it has a fundamental role in the most detailed to the most general matters related to humans. One of the most important characteristics of humans, which is affected by the environment and plays a significant role in preserving or deteriorating the environment, is language. The environment can affect the different lexical, morphological and syntactic layers of the language, and in this way lead to the creation of mental images that cause different approaches of the speakers to the environment. In the vocabulary section of the language, place names in general can be considered in terms of how the speakers of a language perceive the environment. Among the place names, the names of the residential areas that form a part of the main human ecosystem and different aspects of the cultural and biological environment of man are manifested in it are worthy of attention in terms of linguistic vocabulary and the influence of the environment in their selection.

Material and Methodology: In this research, the collection of information and data was done with the library method and using related texts, and the data were analyzed with a descriptive and analytical method.

Findings: The findings of this research show that the natural environment has played an important role in choosing the names of residential areas in Iran, and this shows the mental concerns of the selectors and users of these names regarding the environment in which they lived. At the same time, this approach can indirectly lead to attention to the environment and its preservation and viability.

Discussions and Conclusions: The names of residential places, in addition to being worthy of attention from a linguistic point of view, also deserve to be investigated and analyzed from a biological and environmental point of view, because many of the words that are used in the construction of the names of residential places are affected by geographical, biological conditions and other cultural and social components. Since these names are formed on the basis of culture, which itself depends on the environment in which the speakers live, by examining them, the influence of geography and environment can be recognized in the way they are named, and in this way, the intellectual commonalities and differences of the people living in an area can be identified. Therefore, it can be said that the abundance of words such as water, river, mountain, forest, and the names of plant and animal species in the names of residential places is a clear example of the importance of the environment for

1- Assistant Professor, Department of Iranian Languages and Dialects, The Academy of Persian Language and Literature, Tehran, Iran. **(Corresponding Author)*

Iranians. The analyzed data show that the eco-oriented approach is the dominant approach in choosing the names of the residential places of Iran.

Keywords: environment, natural ecosystem, names of residential places, naming.

مقدمه

برای مثال زبان تبلیغات می‌تواند ما را به خواستن محصولات غیرضروری و مخرب برای محیط زیست ترغیب کند؛ و از سوی دیگر زبان نوشتارهایی که در ستایش و مزایای طبیعت است می‌تواند ما را به حفظ طبیعت برانگیزد. از این‌رو، زبان می‌تواند عاملی مهم در حفظ یا تخریب محیط زیست انسان باشد (۵). اهمیت نقش زبان در محیط زیست تا بدانجاست که سبب شکل‌گیری شاخه‌ای با نام «زبان‌شناسی زیست‌محیطی»^۱ گردیده‌است. در این شاخه از زبان‌شناسی به بررسی ارتباط میان زبان و زیست‌بوم یا به عبارت دیگر محیط طبیعی و اجتماعی‌ای که زبان در آن شکل گرفته و جاری است پرداخته می‌شود. در زبان‌شناسی زیست‌محیطی زبان نه تنها از جامعه بلکه از نظام زیستی بزرگ‌تری که جامعه در آن شکل گرفته‌است، جدا نیست. در زبان‌شناسی زیست‌محیطی هم نقش زبان در تشدید بحران محیط زیست و هم ایستادگی در مقابل بحران از طریق زبان مطالعه می‌شود (۵، ۶).

زبان را نباید صرفاً یک نظام ارتباطی صرف برای تعاملات روزمره بین انسان‌ها فرض کرد که از تعدادی واژه تشکیل شده‌است، بلکه باید نقشی بسیار فراتر برای آن در نظر گرفت و آن را حامل اندیشه و تصور انسان نسبت به خود و جهان به‌شمار آورد که ساختار فکری و فرهنگی انسان را تشکیل می‌دهد. این ساختار فکری و فرهنگی می‌تواند در بسیاری از وجوه زندگی انسان چه به‌صورت فردی و چه جمعی نقش داشته باشد. طبیعتاً این ساختار فکری و فرهنگی انسان می‌تواند بر محیط زیست انسان نیز تأثیر داشته باشد و سبب حفظ و رشد یا تخریب و از میان بردن آن شود. از این‌رو، یکی از اقدامات مهم برای حفظ محیط زیست می‌تواند توجه به الگوها و قالب‌های ذهنی گذشتگان باشد که نسبت به نسل کنونی در آشتی

ارتباط انسان با طبیعت در طول زندگی بشر متناسب با شیوه تفکر و سبک زندگی او همواره در فراز و نشیب بوده‌است. از جمله ابزارهایی که از طریق آن می‌توان به کم‌وکیف این رابطه پی برد بررسی لایه‌های متفاوت زبان آدمی و بازنمود طبیعت و جلوه‌های آن در زبان است (۱). از سوی دیگر زبان مهم‌ترین ابزار انسان برای بیان نگرش و احساسات او به طبیعت و محیط پیرامونش است. زبان به انسان این توانایی را می‌دهد که درباره پدیده‌های زیستی پیرامونش بیندیشد و واکنش نشان دهد (۲). از این‌رو، بررسی ارتباط میان زبان و محیط زیست انسان و تأثیرات آنها بر یکدیگر از موضوعات قابل توجه در زبان‌شناسی است. هرچند از اوایل قرن بیستم به رابطه میان زبان و محیط زندگی انسان در آثار زبان‌شناسان نامی‌ای مانند ساپیر و وُرف توجه شده‌است، تنها در چند دهه اخیر است که بیشتر مورد مذاقه قرار گرفته و مطالعات آن به‌طور روشمند آغاز گردیده‌است. از جمله می‌توان به مطالعات هاگن در شکل‌دهی به رویکرد زیست‌محیطی در مطالعات زبانی اشاره کرد. او زیست‌بوم زبانی را «مطالعه رابطه هر زبان با محیط پیرامونش» می‌داند (۳). در واقع مهم‌ترین دغدغه او در این رویکرد از یک سو این بود که چگونه محیط بیرون از زبان بر زبان تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر بازخورد این تأثیر در بافت‌های اجتماعی و روان‌شناختی زبان چگونه است. در ایران نیز این موضوع کمابیش مورد توجه قرار گرفته و برخی از پژوهشگران زبان‌شناسی در حال مطالعه در این عرصه هستند (۴، ۵).

اهمیت محیط زیست در زندگی روزمره مردمان هر منطقه به‌گونه‌ای است که در لایه‌های متفاوت زبان نمود می‌یابد. از سوی دیگر زبان که در تعامل با تفکر و عرصه ظهور آن است می‌تواند هم نقش تخریبی و هم نقش سازنده در محیط زیست داشته باشد.

بیشتر است تنوع واژگانی این حوزه نیز بیشتر است، در مقابل در مناطقی که در نواحی بیابانی قرار دارند واژه‌های دیگری رواج دارد. در واقع، واژگان زبان را می‌توان ملموس‌ترین لایه گنجینه افکار، علایق و باورهای اهل یک زبان دانست که به بهترین و واضح‌ترین صورت فرهنگ گویشوران آن را نشان می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت محیط زیست طبیعی از مهم‌ترین عوامل تنوع در زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌ها به‌شمار می‌آید و همین امر سبب تنوع زبانی در کشورهایی می‌شود که از نظر اقلیم متنوع هستند (۹).

درباره تعریف محیط زیست هم این نکته را باید ذکر کرد که محیط زیست انسان یک مفهوم بسیار گسترده است و از عوامل متفاوتی تشکیل می‌شود. به‌طور کلی در تشکیل محیط زیست دو شاخص مهم را می‌توان در نظر گرفت: (۱) عوامل طبیعی مانند اقلیم و آب‌وهوا و عارضه‌های جغرافیایی و مانند آن، و (۲) عوامل اجتماعی مانند شاخص‌های دینی، قومی، هنری، سیاسی و به‌طور کلی آنچه به خود انسان و تفکراتش مربوط است. به هر روی می‌توان در یک جمله ساده و روشن محیط زیست را این‌گونه تعریف کرد: محیط زیست یعنی تعامل انسان با سایر انسان‌ها، سایر موجودات و محیط طبیعی (۵). به تعبیری دیگر، می‌توان گفت آنچه ما را احاطه کرده، آنچه ما بر آن اثر می‌گذاریم و آنچه بر ما اثر می‌گذارد محیط زیست را تشکیل می‌دهد. روی هم رفته، محیط زیست از سه بخش اساسی تشکیل شده که همیشه با یکدیگر در تعامل‌اند و به‌نوعی تفکیک‌پذیر نیستند. این سه بخش عبارت‌اند از (۱) محیط زیست طبیعی، (۲) محیط زیست مصنوعی یا شهری، (۳) محیط زیست اجتماعی (۱). به‌طور کلی در مطالعات زبان‌شناسی زیست‌محیطی، درباره نقش زبان در محیط زیست و تأثیر آنها بر یکدیگر به چهار الگوی متفاوت اشاره می‌شود: (۱) ارتباط زبان و محیط زیست در زیست‌محیط نمادین؛ (۲) ارتباط زبان و محیط زیست در زیست‌محیط طبیعی؛ (۳) ارتباط زبان و محیط زیست در زیست‌محیط اجتماعی-فرهنگی؛ (۴) ارتباط زبان و محیط زیست در زیست‌محیط شناختی (۱۰).

بیشتری با محیط زیست زندگی می‌کردند و خود را بخشی جدانشدنی از طبیعت می‌دانستند. از جمله مواردی که می‌توان با بررسی آن به این الگوی ذهنی گذشتگان دست یافت بررسی آثار زبانی به‌جامانده از آنهاست. در این نوشتار سعی بر آن است تا از یک سو تأثیر محیط زیست طبیعی در انتخاب نام‌های مناطق مسکونی ایران بررسی شود، و از سوی دیگر برخی از انگاره‌های ذهنی مرتبط با زیست‌بوم طبیعی معرفی شود که در انتخاب نام‌های مناطق مسکونی اثرگذار بوده‌است.

مبانی نظری

همان‌گونه که گفته شد در زبان‌شناسی زیست‌محیطی به روابط متقابل میان زبان و محیط طبیعی و اجتماعی‌ای که گویشوران آن زبان در آن زندگی می‌کنند پرداخته می‌شود. درباره ارتباط محیط زیست و زبان هم تاکنون نظریات متفاوتی ارائه شده و گاه در این نظریه‌ها کفه ترازو به یک سمت سنگینی کرده‌است. اما عموماً اعتقاد بر این است که زبان گویشوران و محیط زندگی آنها ارتباط تنگاتنگی دارد و تأثیرات متقابلی بر یکدیگر می‌گذارند. به عبارت دیگر زبان هم در ساخت محیط زیست مؤثر است و هم خود ساخته محیط زیست است (۷). در واقع، این دیدگاه اخیر مبنای مطالعات زبان‌شناسی زیست‌محیطی را شکل می‌دهد. در این رویکرد ارتباط عناصر زبانی و محیطی که آن زبان در آن به‌کار می‌رود به‌طور طبیعی و متقابل شکل می‌گیرد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که تأثیر محیط زیست بر زبان در سه لایه زبان قابل بررسی و توجه است: (۱) واژگان، (۲) نظام آوایی، (۳) صرف و نحو (۸). در این میان تأثیر محیط زیست بر واژگان زبان نسبت به دو لایه دیگر روشن‌تر و شفاف‌تر است و همین امر سبب می‌شود که در محیط‌های خاص ما شاهد واژه‌هایی ویژه باشیم. این امر نه تنها در میان کشورهای متفاوت بلکه در مناطق و استان‌های یک کشور هم بروز می‌کند و در داخل سرزمین ایران هم این امر کاملاً روشن و پرمصادق است، برای مثال در نواحی‌ای از ایران که در کنار دریا قرار دارند و بارش و بارندگی در آنها

می‌توان این نمونه‌ها را ذکر کرد: سِرا، -خانه، -جا، -کوی، -محله، و... (۱۲).

در هر نام جغرافیایی یا جای‌نام، سه ویژگی مهم وجود دارد: (۱) موقعیت جغرافیایی، (۲) پیشینه تاریخی، (۳) ساختار و مفهوم زبانی. به‌طور کلی براساس نوع و گونه، جای‌نام‌ها را به این دسته‌ها تقسیم می‌کنند: (۱) کده‌نام‌ها^۲ یا جای‌نام‌هایی که به مناطق مسکونی اشاره دارند. (۲) آب‌نام‌ها^۳ یا جای‌نام‌هایی که برای نامیدن عوارض جغرافیایی مرتبط با آب به‌کار می‌رود، مانند «رود»، «چشمه»، «دریا» و... (۳) شیب‌نام‌ها^۴ یا جای‌نام‌هایی که برای نامیدن پستی و بلندی‌های زمین به‌کار می‌رود، مانند «کوه»، «تپه»، «دشت» و... (۱۳، ۱۴).

گذشته از آنکه جای‌نام‌های را به‌لحاظ ساختار زبانی از وجوه متفاوتی مانند مقوله‌های صرفی و معنایی می‌توان بررسی و طبقه‌بندی کرد، به‌لحاظ زیست‌محیطی نیز این نام‌ها قابل توجه هستند. در این جای‌نام‌ها بخش پایه و گاه شبه‌وندها از نظر توجه به محیط زیست و نقش آن در انتخاب این نام‌ها قابل بررسی است، چراکه بسیاری از این دست واژه‌ها که در ساخت جای‌نام‌ها به‌کار می‌روند متأثر از شرایط جغرافیایی و سایر ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن منطقه خاص هستند. برای مثال، ممکن است در منطقه‌ای که به‌لحاظ منابع آبی شرایط خوبی دارد استفاده از واژه‌هایی که ناظر بر مفهوم «آب» هستند مانند «رود»، «چشمه»، «چای» (واژه‌ای ترکی تبار به‌معنی «رود») بسیار رایج باشد. از سوی دیگر ممکن است در مناطقی که با کم‌آبی مواجه‌اند واژه‌های دیگری مانند «کهریز»، «قنات»، «چاه» و جز آن رواج داشته باشد، یا در مناطق کوهستانی استفاده از واژه‌های «کوه» و «گردنه» و در مناطق کویری استفاده از واژه‌های مانند «دشت» و «تپه» رایج باشد. همچنین، نام شهرها، آبادی‌ها و عوارض جغرافیایی را می‌توان از مهم‌ترین اسناد تاریخی و زبانی گذشتگان دانست که به‌صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه به روزگار ما رسیده‌است. به‌همین دلیل این اسامی را می‌توان از وجوه گوناگون مورد مطالعه و ارزیابی قرار داد. در نخستین نگاه

درباره نگاه انسان به محیط زیست و ارزش‌گذاری آن به‌طور کلی می‌توان به پنج رویکرد متفاوت اشاره کرد: (۱) رویکرد سودجویانه، که در آن معاش انسان و منافع اقتصادی ارجحیت دارد؛ (۲) رویکرد بوم‌شناختی، که در آن احترام و علاقه به کارکردهای زندگی‌بخش زیست‌بوم در اولویت است؛ (۳) رویکرد هنری باتوجه به مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی، که در آن ویژگی‌های ذاتی محیط طبیعی و بکر بودن آن مورد توجه است؛ (۴) رویکرد اخلاق‌محور، که در آن در هنگام بهره‌برداری از طبیعت و حفظ آن اصول اخلاقی مبنا قرار می‌گیرد؛ (۵) رویکرد فرهنگی، که در آن این نکته اهمیت دارد که رفتار و سلوک فرهنگ‌های متفاوت در عین داشتن اشتراکات نسبت به محیط زیست، تفاوت‌هایی نیز در مواجهه با طبیعت دارند (۱۱).

جای‌نام واژه‌ای است که برای نامیدن مکان یا موقعیت جغرافیایی خاصی به‌کار می‌رود. علمی که به بررسی نام‌های جغرافیایی از دیدگاه تاریخی، جغرافیایی و به‌ویژه زبان‌شناسی می‌پردازد، جای‌نام‌شناسی^۱ نام دارد. جای‌نام‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که از دیدگاه در زمانی و هم‌زمانی به بررسی علمی جای‌نام‌ها می‌پردازد و با علوم دیگری مانند جغرافیا، تاریخ، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی و مردم‌شناسی در تعامل و ارتباط است. بررسی جای‌نام‌ها از آن‌رو اهمیت دارد که می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در معرفی ویژگی‌های مردم‌شناختی و فرهنگی و زیستی اقوام به دست دهد و همچنین مشخص سازد که ملاحظات محیطی و زیستی و اجتماعی در نام‌گذاری جای‌نام‌ها، چه در زمان گذشته و چه امروز، تا چه اندازه نقش داشته است. جای‌نام‌ها به‌لحاظ ساختاری هم نشان‌دار و هم بی‌نشان‌اند. جای‌نام‌های بی‌نشان آن واژه‌های بسیطی هستند که به‌طور طبیعی بر مکانی دلالت می‌کنند، مانند «کوه»، «تپه»، «رود» و... اما نشان‌داری در جای‌نام‌ها، با افزودن وندها و شبه‌وندها صورت می‌گیرد. از پسوندهای جای‌نام‌ساز پرکاربرد در فارسی می‌توان به این موارد اشاره کرد: -زار، -گاه، -ستان، -کده، -ان، -له، -لاخ، -وند، -سار، -ساره، -بار، -نا، -سیر، -سر، -مان، -ه، -لان، -دان، و... و از شبه‌وندهای جای‌نام‌ساز

می‌توان گفت به‌طور کلی این نام‌ها بیانگر سطح تفکر و نوع بینش افراد به‌وجودآورنده آن نسبت به خود، جامعه، طبیعت و نیروهای موجود در طبیعت است. باتوجه‌به اینکه نوع تفکر و نگرش انسان در دوره‌های گوناگون تاریخی متفاوت بوده‌است، اسامی به‌جامانده می‌تواند این سطوح گوناگون را به بهترین نحو نشان دهد. درواقع، این نام‌ها از یک‌سو بیانگر شیوه تفکر گویشوران آن و محیطی که در آن زندگی می‌کنند است و از سوی دیگر نشان‌دهنده تأثیر زیست‌بوم در زبان گویشوران و انتخاب واژه‌های تازه است.

همچنین این نام‌های جغرافیایی می‌تواند اشتراکات و افتراقات تفکری مردم ساکن در یک کشور را در انتخاب نام‌ها باتوجه‌به محیط زیست آنها نشان دهد. این نام‌ها درواقع برپایه فرهنگی شکل می‌گیرد که خود تابع محیطی است که گویشوران در آن زندگی می‌کنند. ازاین‌رو با بررسی این واژه‌ها می‌توان به‌وضوح تأثیر جغرافیا و محیط زیست را در نام‌گذاری‌های جغرافیایی در هریک از بخش‌های یک کشور دید. در کشور ایران نیز که تنوع جغرافیایی نسبتاً زیاد است به‌وضوح می‌توان این تأثیر محیط زیست را بر جای نام‌ها دید. در عین حال باید این نکته را ذکر کرد که با وجود تفاوت‌ها در انتخاب این نام‌ها نوعی از اشتراک نیز در گزینش این نام‌ها در میان مردم ایران دیده می‌شود که آن نیز درواقع تأثیر زیست‌بوم مشترک ایرانیان است که از دیرباز وجود داشته و سبب پیوستگی و ارتباط آنها شده‌است. درواقع، این واژه‌های جغرافیایی غالباً بیش از واژه‌های معمول زبان بازتاب‌دهنده تفکر گویشوران یک جامعه زبانی نسبت به محیط زندگی آنهاست و با بررسی ساختار زبانی آنها می‌توان طرز تلقی آن جامعه زبانی را نسبت به نام‌گذاری محیط اطراف خود آزمود و با تحلیل واژه‌هایی که در ساخت این نام‌های جغرافیایی به‌کار رفته‌است به یک طبقه‌بندی کلی در نام‌گذاری اماکن جغرافیایی دست یافت. از این گذشته، در انتخاب این نام‌ها می‌توان به‌وضوح

دغدغه ذهنی گزینندگان این نام‌ها را نسبت به محیط زیست مشاهده کرد. فراوانی واژه‌هایی چون آب، رود، کوه، جنگل، و نام‌های گونه‌های گیاهی و جانوری در کده‌نام‌ها مصداق روشنی است بر اهمیت محیط زیست برای ایرانیان. بررسی این نام‌ها نشان می‌دهد که واضعان آنها کاملاً هماهنگ با طبیعت و محیط زندگی خود می‌زیسته‌اند و بی‌توجه به محیط زیست خود نبوده‌اند. در پژوهش حاضر، واژه‌هایی از محیط زیست طبیعی مورد نظر است که از یک سو مصادیق آنها به دست انسان ساخته نشده‌است، مانند کوه‌ها، دشت‌ها، دریاها و رودها و حیات وحش، و مانند آن، و از سوی دیگر برای نامیدن بخشی از محیط زیست مصنوعی یا شهری هم به‌کار رفته‌است.

روش و پیشینه پژوهش

برای گردآوری داده‌های این تحقیق عمدتاً مجلدات فرهنگ جغرافیایی ایران تألیف حسینعلی رزم‌آرا (۱۵) و فرهنگ آبادی‌های ایران گردآورده سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۶) استفاده شده‌است. گفتنی است این آثار تنها منابع موجود کامل درباره نام مناطق مسکونی ایران است، البته باتوجه‌به قدیمی بودن برخی از داده‌های این منابع، در انتخاب نام‌های بررسی‌شده غالباً مواردی بررسی شده‌است که تا به امروز رواج دارند. همچنین، در تقسیم‌بندی جغرافیایی استان‌های ایران تقسیم‌بندی‌ای که وزارت کشور برای ایران لحاظ کرده مبنا قرار گرفته‌است. در این تقسیم‌بندی که برپایه شاخص‌هایی مانند هم‌جواری، جغرافیا و اشتراکات فرهنگی و اجتماعی نواحی مورد مطالعه است، کشور ایران به پنج منطقه بزرگ تقسیم شده است. هر کدام از این منطقه‌ها که با شماره‌های ۱ تا ۵ نام‌گذاری شده‌است، به‌جز منطقه یک، دارای شش استان است (نک: جدول ۱).

جدول ۱- مناطق پنج‌گانه ایران و استان‌های آنها

Table 1. The five regions of Iran and their provinces

نام استان‌ها	نام مناطق
البرز، تهران، قزوین، سمنان، گلستان، مازندران، قم	منطقه یک
اصفهان، فارس، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد	منطقه دو
آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، گیلان، کردستان	منطقه سه
کرمانشاه، ایلام، لرستان، همدان، مرکزی، خوزستان	منطقه چهار
خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، کرمان، یزد، سیستان و بلوچستان	منطقه پنج

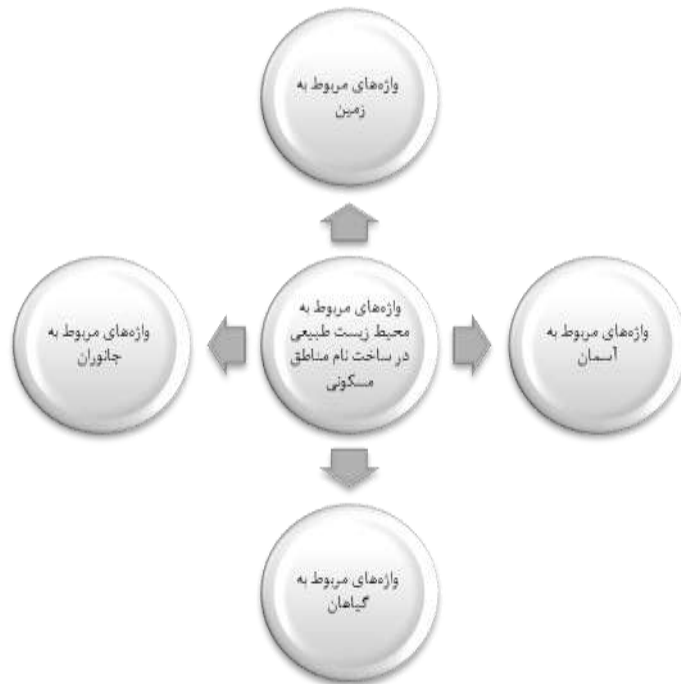
در ایران بسیار نوپاست و در معدود آثاری هم که در این باره تاکنون منتشر شده‌است به نام مناطق مسکونی و جای‌نام‌ها هیچ اشاره‌ای نشده‌است و صرفاً در چنین نوشته‌هایی به لغات عام زبان و تأثیر محیط زیست در گنجینه واژگانی برخی از گویش‌های ایرانی و گاه تفاوت‌های آنها اشاره‌های مختصری شده‌است. مقاله حاضر، در نوع خود نخستین نوشته‌ای است که به‌طور خاص به تأثیر عناصر زیست‌بوم طبیعی در انتخاب نام مناطق مسکونی پرداخته‌است.

یافته‌های تحقیق

واژه‌هایی که ناظر به عناصر طبیعی محیط زیست‌اند و در ساختار نام مناطق مسکونی به کار رفته‌اند در چند طبقه متفاوت قرار می‌گیرند (نک. نمودار شماره ۱). طبقه‌بندی‌ای که در اینجا ارائه خواهد شد صرفاً یک طبقه‌بندی کلی برای این موضوع است و می‌توان آن را به‌صورت جزئی‌تر نیز مطرح کرد. به‌هرروی در اینجا فقط به واژه‌هایی اشاره خواهد شد که به محیط طبیعی زیست‌بوم انسان مربوط است و واژه‌هایی که به شاخص‌های اجتماعی زیست‌بوم انسانی اشاره دارند بررسی نخواهد شد. واژه‌هایی را که بر عوامل طبیعی اشاره دارند می‌توان بدین صورت طبقه‌بندی کرد: (۱) واژه‌های مربوط به زمین، (۲) واژه‌های مربوط به آسمان، (۳) واژه‌های مربوط به جانوران، (۴) واژه‌های مربوط به گیاهان. گفتنی است کاربرد این واژه‌ها در نام مناطق مسکونی امری متأخر نیست، بلکه پدیده‌ای است تاریخی که از دیرباز در ساخت کده‌نام‌های ایران رواج داشته‌است (۲۰).

تحقیق درباره نام مناطق مسکونی و به‌طور کلی جای‌نام‌های ایران سابقه طولانی دارد، اما بیشتر این تحقیقات معطوف به بررسی‌های ریشه‌شناختی و ساختار صرفی این واژه‌هاست. ازجمله پیش‌گامان مطالعات جای‌نام‌شناسی در ایران احمد کسروی بود که غالباً در حین مطالعات ریشه‌شناختی به بررسی و تحلیل پسوندهای جای‌نام‌ساز نیز اشاره کرده‌است (۱۷). علی‌اشرف صادقی (۱۸، ۱۹) در چند مقاله به وندهای اسم مکان‌ساز در فارسی و همین‌طور وندهای ساخت نام مناطق مسکونی اشاره کرده‌است. رفاهی علمداری (۱۳) نیز در کتابی با عنوان «مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم‌های ایران» به بررسی جای‌نام‌های ایرانی پرداخته و آنها را از جنبه‌های متفاوت آوایی، واژگانی، صرفی و معنایی طبقه‌بندی کرده‌است. به هر روی در هیچ‌یک از منابع منتشرشده عناصر محیط زیست طبیعی و نقش آنها در ساخت نام مناطق مسکونی به‌طور دقیق مطالعه و بررسی نشده‌است.

چنان‌که اشاره شد آثاری که تا کنون درباره نام مناطق مسکونی ایران نوشته‌است با رویکرد زبانی نوشته شده‌است. این رویکرد زبانی گاه معطوف به مسائل ساختواری یا صرفی این واژه‌هاست و گاه متمرکز بر مباحث فقه‌اللغوی است و به ریشه‌شناسی، معنی‌شناسی تاریخی و جغرافیای تاریخی این نام‌ها اشاره دارد و آنچه اساساً به آن توجه‌ای نشده‌است مباحث مربوط به محیط زیست و تأثیر آن در انتخاب چنین نام‌هایی است. از سوی دیگر، چنان‌که ذکر شد مطالعات شاخه زبان‌شناسی زیست‌محیطی نیز



نمودار ۱- واژه‌های مربوط به محیط زیست طبیعی در ساخت نام مناطق مسکونی

Diagram 1. Words related to the natural environment in the formation of the names of residential places

مثال، علاوه بر واژه «تپه»، که خود دخیل از ترکی در فارسی است، در مناطق غرب و جنوب غربی ایران استفاده از واژه «چغا / چقا» به همان معنی «تپه» در نام مناطق مسکونی معمول است، یا در مناطقی از ایران که زبان ترکی رواج دارد، علاوه بر صورت‌های فارسی معادل ترکی این واژه‌ها در کده‌نام‌ها دیده می‌شود، مانند کلمه ترکی «بالغ» به معنی «چشمه»، «چای» به معنی «رود»، و جز آن. به علت کثرت کده‌نام‌های ساخته‌شده با نام‌های مربوط به زمین و عوارض طبیعی آن، در اینجا آنها را در دو بخش جداگانه نام‌های مناطق مسکونی ساخته‌شده با واژه‌های مربوط به پستی‌وبلندی‌های و آب‌ها بررسی می‌کنیم.

نام‌های مناطق مسکونی ساخته‌شده با واژه‌های مربوط به

پستی‌وبلندی‌های زمین

در ایران، استفاده از واژه‌های مربوط به زمین و عوارض روی آن نسبت به دیگر واژه‌ها در ساخت نام مناطق مسکونی بیشترین کاربرد را دارد و بسامد آنها بسیار بیشتر از واژه‌های مربوط به آب‌ها در ساخت این نام‌هاست. در این میان واژه‌هایی مانند «تپه»، «دره»، «دشت»، و «کوه» بسامد بسیار زیادی دارند و واژه‌هایی مانند «زمین»، «سنگ» و «لا» از بسامد کمتری

نام مناطق مسکونی ساخته‌شده با واژه‌های مربوط به زمین

نام زمین و عوارض طبیعی روی آن در نام مناطق مسکونی ایران کاملاً معمول است و بسامد بسیار زیادی دارد. عوارض طبیعی روی زمین را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته آب‌ها و پستی‌وبلندی‌ها تقسیم کرد. از جمله پربسامدترین واژه‌های مربوط به حوزه آب‌ها در ساخت نام مناطق مسکونی است: چشمه، خانی (کافی صورت گویشی)، رود، و از پربسامدترین نام‌های مربوط به پستی‌وبلندی‌ها رایج در ساخت کده‌نام‌ها به این موارد می‌توان اشاره کرد: تپه، دره، دشت و کوه. استفاده از نام‌های مربوط به پستی‌وبلندی‌ها نسبت به واژه‌های مربوط به آب‌ها در ساخت کده‌نام‌ها رواج بیشتری دارد. در واقع، این واژه‌های مربوط به طبیعت در نام مناطق مسکونی علاوه بر آنکه نشان‌دهنده تأثیر مستقیم طبیعت بر ذهن واضعان این نام‌هاست، همچنین می‌تواند به دیگر انگاره‌های ذهنی نیز اشاره داشته باشد، مانند استواری و ثبات، درخشندگی، پاکي، لطافت و زیبایی عناصر طبیعی. نکته قابل توجه دیگر درباره نام مناطق مسکونی ساخته‌شده با واژه‌های مربوط به زمین و عوارض طبیعی آن، استفاده از واژه‌های زبان‌های بومی و محلی است که با واژه‌های فارسی هم‌معنی هستند. برای

«چغاسرخ» در دزفول، «چقاصفر» در کرمانشاه، «چغاگل» در اسلام‌آباد غرب، «چغاماهی» در ایوان، «سفیدچغا» در صحنه، «قلعه‌چغا» در مرودشت.

دره: این واژه در نام مناطق مسکونی کاربرد زیادی دارد و هم به‌صورت پیشایند و هم به‌صورت پسایند در ساخت نام مناطق مسکونی به‌کار می‌رود. این واژه در مناطق ترکی‌زبان ایران به‌صورت «دَرَق» نیز در نام مناطق مسکونی به‌کار رفته‌است. از جمله نام‌های ساخته‌شده با این واژه است: «دره‌بان» (دره + پسوند -بان) در بوشهر، «آب‌دره» در قزوین، «آسمان‌دره» در کامیاران، «اوزون‌دره» در مهاباد، «باغ‌درق» در خوی، «پلنگ‌دره» در ورامین، «تاریک‌دره» در نهاوند، «چوبه‌درق» در خداآفرین، «خرم‌درق» در ابهر، «دره‌سفید» در سپیدان، «دره‌شیرین» در کهگیلویه، «دره‌گاو» در چادگان، «سیردره» در اسدآباد، «فزل‌دره» در قزوین، «گرم‌دره» در کرج، «گل‌درق» در کلیبر، «هزاردره» در سروستان، «هودرق» در اردبیل. همچنین، در ساخت کده‌نام‌ها واژه دیگری رواج دارد که تقریباً هم‌معنی با «دره» است اما کاربردش بسیار محدود است. این واژه، یعنی «لا» در اصل به‌معنی «میان» و «وسط» و با توسع معنایی به‌معنی «درز، شکاف» است. از جمله نام‌های ساخته‌شده با این واژه است: «لابید» در رفسنجان، «لاخشک» در چهارمحال‌وبختیاری، «لاخواجه» در تفت، «لادراز» در ایذه، «لاسیب» در اردستان، «لاقلعه» در جوانرود، «لاگردو» در مهریز.

دشت: این اسم مکان مانند دیگر انواع این گونه در ساخت نام مناطق مسکونی کاملاً رواج دارد و هم در نام‌های اشتقاقی و هم در نام‌های مرکب به‌کار می‌رود. از جمله نام‌های ساخته‌شده با این واژه است: «دشت‌آباد» (دشت + پسوند -آباد) در ملایر، «دشتزار» (دشت + پسوند -زار) در خاش، «دشتستان» (دشت + پسوند -ستان) در بوشهر، «دشتک» (دشت + پسوند -ک) در دماوند، «دشتوئیه» (دشت + پسوند -وئیه) در کرمان، «آهودشت» در ساری، «خرم‌دشت» در تاکستان، «دشت‌دامان» در رضوانشهر، «دشت‌کنار» در مرودشت، «دشت‌مزار» در دماوند، «کوه‌دشت» در لرستان، «گل‌دشت» در لامرد، «ماهی‌دشت» در فهرج، «مریم‌دشت» در رودسر، «هفت‌دشت» در ممسنی.

برخوردارند. در اینجا به پربسامدترین واژه‌های مربوط به پستی‌وبلندی‌ها در نام مناطق مسکونی اشاره می‌شود و شواهدی از کاربرد آن در این نام‌ها ذکر خواهد شد.

بیشه: این واژه و صورت کهن‌تر آن یعنی «ویشه» در نام مناطق مسکونی ایران کمابیش کاربرد داشته و دارد. هرچند این واژه ایرانی‌الصل است و در فارسی میانه به‌صورت wēšag «بیشه» آمده‌است (۲۱)، شاهدی برای کاربرد آن در کده‌نام‌های آن دوره در منابع وجود ندارد. به هر روی، در کده‌نام‌های امروزی واژه بیشه هم به‌عنوان واژه پایه و هم به‌عنوان یک وندواره در ساخت نام مناطق مسکونی به‌کار رفته‌است. از جمله نام‌های ساخته‌شده با این واژه است: «بیشه‌سر» (بیشه + پسوند -سر) در بابل، «بیشه‌کلا» (بیشه + پسوند -کلا) در محمودآباد، «بیشه‌گاه» (بیشه + پسوند -گاه) در صومعه‌سرا، «باغ‌بیشه» در پلدختر، «بیشه‌محله» در بابل، «بیشه‌زرد» در فسا، «چهاربیشه» در ممسنی، «زربیشه» در کرمان، «گرگه‌بیشه» در صحنه، «ویشه‌سرا» در رضوانشهر. نام «جنگل» نیز در ساخت نام مناطق مسکونی ایران رواج دارد اما بسامد آن بسیار اندک است. از جمله نام‌های ساخته‌شده با واژه «جنگل» است: «جنگل‌آباد» (جنگل + پسوند -آباد) در کرمان، «جنگلی» (جنگل + پسوند -ی) در قلعه‌گنج، «جنگل‌ده» در مینودشت، «جنگل‌کوه» در دزفول.

تپه: این واژه در ساخت نام مناطق مسکونی ایران کاربرد فراوانی دارد و عمدتاً در نام‌های مرکب نقش یک وندواره را ایفا می‌کند. از جمله کده‌نام‌های ساخته‌شده با این واژه است: «تپه‌سر» در سوادکوه، «آبادان‌تپه» در گنبدکاووس، «اسلام‌تپه» در ترکمن، «بلبل‌تپه» در گرگان، «بنفش‌تپه» در بندرگز، «تپه‌کنیز» در هیرمند، «حاج‌تپه» در آبیک، «دوتپه» در خدابنده، «سلمان‌تپه» در سرپل ذهاب، «شیرتپه» در سرخس، «گل‌تپه» در ابهر، «تی‌تپه» در رامیان، «هفت‌تپه» در امیدیه. همچنین، در مناطق غربی و جنوب غربی ایران استفاده از واژه گویشی «چغا» (رایج در زبان‌های لری و کردی) به‌معنی «تپه»، که صورت‌های آوایی و املایی متفاوتی مانند «چقا»، «چیا» نیز دارد، در ساخت نام مناطق مسکونی رایج است. از جمله نام‌های ساخته‌شده با این واژه است: «چقابهار» در کرمانشاه، «چغاخرگوش» در کوه‌رنگ،

این واژه است: «کوه‌آباد» (کوه + پسوند آباد) در تایباد، «کوهجرد» (کوه + پسوند جرد) در داراب، «کوهستان» (کوه + پسوند ستان) در بهشهر، «کوهین» (کوه + پسوند ین) در کیبودرآهنگ، «آتش‌کوه» در محلات، «بلبل‌کوه» در چالوس، «بیدکوه» در طبس، «جنگل‌کوه» در دزفول، «دامن‌کوه» در سمنان، «دوست‌کوه» در رودسر، «کوه‌دشت» در لرستان، «کوه‌زین» در ابهر، «کوه‌قلعه» در مانه و سملقان، «کوه‌کنار» در مشگین‌شهر، «گاوکوه» در فومن. همچنین، در مناطقی از ایران که زبان ترکی رایج است معادل ترکی «کوه» یعنی «داغ» و صورت مشتق آن یعنی «داغی» نیز در ساختمان نام مناطق مسکونی دیده می‌شود، مانند «قازان‌داغی» در تاجیکستان، «قزل‌داغ» در ماکو، «کلیدداغی» در جلفا، «نارلی‌داغ» در گنبدکاووس.

نام‌های مناطق مسکونی ساخته‌شده با واژه‌های مربوط به

آب‌ها

اقلیم خشک و کم‌آب ایران سبب شده‌است که مناطق مسکونی عمدتاً در حول یکی از منابع آبی شکل بگیرد و به سبب اهمیت آن منبع آبی نام آن برای نام‌گذاری منطقه مسکونی‌ای که حول آن شکل گرفته نیز به کار برود. گذشته از واژه «آب» که هم به عنوان واژه پایه و هم به عنوان وندواره در نام مناطق مسکونی به کار رفته‌است، واژه‌هایی مانند «رود» و «چشمه» نیز بسامد زیاد در نام مناطق مسکونی ایران دارند. واژه‌های «چاه»، «چاله» نیز در کده‌نام‌ها رواج دارند، اما به سبب آنکه می‌توانند عارضه‌ای مصنوعی به شمار آیند از ذکر آنها صرف‌نظر شد. کده‌نام‌های ساخته‌شده با واژه‌های مربوط به آب‌ها در ایران بسیار فراوان هستند و گاه شاهد نام‌های تکراری با این واژه‌ها در مناطق گوناگون ایران هستیم. در اینجا صرفاً به چند شاهد از گونه مشتق و مرکب برای هر مورد اکتفا شده‌است. همچنین به شواهد گویشی که خاص یک منطقه‌اند، اما با مطالعه ما هم‌سو هستند نیز اشاره شده‌است.

آب: این واژه هم در ترکیب با وندهای جای‌نام‌ساز به کار رفته و هم خود به عنوان یک وندواره در ساخت نام مناطق مسکونی مرکب استفاده شده‌است. «آبچی» (آب + پسوند چی) در

زمین: نام «زمین» نیز در ساخت نام مناطق مسکونی رواج دارد اما نسبت به دیگر واژه‌های این حوزه بسامد کمتری دارد. البته در مقایسه با «آسمان» بسامد واژه «زمین» در نام مناطق مسکونی بسیار بیشتر است. از جمله نام‌های ساخته شده با واژه «زمین» است: «آب‌زمینو» (آب + زمین + پسوند و) در بندرعباس، «زمیندر» (زمین + پسوند در) در میناب، «زمینکان» (زمین + پسوند کان) در ایرانشهر، «امام‌زمین» در تنکابن، «چمن‌زمین» در هریس، «دراز‌زمین» در رامسر، «زمین‌بن» در تنکابن، «زمین‌سنگ» «زمین‌کنار» در کرمان، در بندرعباس، «قره‌زمین» در آذربایجان غربی، «گالش‌زمین» در سیاهکل، «گاوزمین» در آوج، «مؤمن‌زمین» در رودسر، «نرگس‌زمین» در ساری.

سنگ: این واژه هم در ساخت نام مناطق مسکونی مشتق و هم در ساخت کده‌نام‌های مرکب به کار رفته‌است. از جمله نام‌هایی که این واژه در ساخت آنها به کار رفته‌است: «سنگ‌آباد» (سنگ + پسوند آباد) در اردبیل، «سنگان» (سنگ + پسوند ان) در تهران، «سنگ‌جار» (سنگ + پسوند جار) در نوشهر، «سنگدان» (سنگ + پسوند دان) در جیرفت، «سنگستان» (سنگ + پسوند ستان) در رامیان، «سنگوئیه» (سنگ + پسوند وئیه) در جیرفت، «سفیدسنگ» در زاهدان، «سنگ‌دره» در بهشهر، «سنگ‌سرا» در نوشهر، «گازرسنگ» در البرز، «گرده‌سنگ» در اهر. علاوه بر واژه «سنگ» در مناطقی که زبان ترکی رایج است استفاده از معادل ترکی این واژه یعنی «داش» و صورت ثانوی آن «داشی» نیز در نام مناطق مسکونی رواج دارد. از جمله این نام‌هاست: «آغداش» در چاراویماق، «داش‌باشی» در خداآفرین، «داش‌بلاغ» در ابهر، «دوه‌داشی» در میانه، «قزل‌داش» در خوی. همچنین، در این مناطق استفاده از واژه «قیه» به معنی «صخره» نیز در نام مناطق مسکونی رواج دارد، مانند «اوزون‌قیه» در کلیبر، «ساری‌قیه» در مشگین‌شهر، «قره‌قیه» در شاهین‌دژ، «قلیچ‌قیه» در خدابنده، «قوش‌قیه» در ملکان، «گلین‌قیه» در مرند.

کوه: این واژه نیز از واژه‌های پربسامد در ساخت نام مناطق مسکونی ایران است و هم در نام‌های مشتق و هم در نام‌های مرکب به کار رفته‌است. از جمله نام مناطق مسکونی ساخته‌شده با

استان‌های شمالی ایران محدود می‌شود. از جمله نام‌های ساخته‌شده با این واژه است: «دریاسر» (دریا + پسوند سر) در لنگرود، «دریاوارسر» (دریا + دو پسوند وار و سر) در رودسر، «دریابن» در تالش، «دریاکنار» در بابلسر. گفتنی است در مناطقی از ایران که زبان ترکی رایج است استفاده از واژه «گلی» به معنی «دریاچه» به صورت محدود در نام مناطق مسکونی دیده می‌شود. از جمله این نام‌هاست: «گاومیش‌گلی» در میان‌آب.

رود: برخلاف واژه «دریا» که کاربرد بسیار اندکی در نام مناطق مسکونی ایران دارد، استفاده از واژه «رود» در کده‌نام‌های ایران بسیار پرکاربرد است و هم به عنوان پایه و هم به عنوان وندواره در ساخت نام مناطق مسکونی به کار می‌رود. از جمله نام‌های ساخته‌شده با این واژه است: «رودآباد» (رود + پسوند آباد) در سمیرم، «رودان» (رود + پسوند ان) در هرمزگان، «رودبار» (رود + پسوند بار) در گیلان، «رودبر» (رود + پسوند بر) در قزوین، «رودسر» (رود + پسوند سر) در گیلان، «رودک» (رود + پسوند ک) در شمیرانات، «آبرود» در فومن، «بالارود» در سیاهکل، «جوانرود» در کرمانشاه، «دره‌رود» در ممسنی، «رستم‌رود» در نور، «روداب» در سبزوار، «شاهرود» در سمنان، «شوررود» در نیشابور، «ماهی‌رود» در خراسان جنوبی، «نبی‌رود» در زاهدان، «هشترود» در آذربایجان شرقی. همچنین، در مناطقی از ایران که زبان ترکی رایج است، علاوه بر واژه «رود» استفاده از واژه ترکی «چای» به معنای «رود»، البته با بسامدی کمتر نسبت به «رود»، در نام مناطق مسکونی رواج دارد. از جمله نام‌های ساخته‌شده با واژه «چای» است: «آق‌چای» در آستارا، «پاشاچای» در ایجرود، «علیرضاچای» در اهر، «چای‌گچین» در گنبد، «چشمه‌چای» در چرداول، «درمان‌چای» در تاکستان، «قره‌چای» در رامیان.

نام مناطق مسکونی ساخته‌شده با واژه‌های مربوط به

آسمان، اجرام آسمانی و پدیده‌های جوی

واژه‌های مربوط به آسمان و اجرام و پدیده‌های جوی در ساخت نام مناطق مسکونی امروزی نسبت به واژه‌های مربوط به زمین و عوارض طبیعی بسامد کمتری دارند. علاوه بر واژه‌های ایرانی تبار (به لحاظ زبانی) در کده‌نام‌های موجود واژه‌های دخیل از عربی (مانند «نجم، انجم، شمس») نیز دیده می‌شود که احتمالاً

کوه‌رنگ، «آبدانان» (آب + دو پسوند دان و ان) در ایلام، «آبر» (آب + پسوند بر) در ملایر، «آبگه» (آب + پسوند گاه) در نیک‌شهر، «برآب» (پیشوند بر- + آب) در داراب، «بی‌آبه» (پیشوند بی- + آب + پسوند ه) در کوه‌رنگ، «آب‌باریک» در ورامین، «آب‌بید» در ممسنی، «آب‌چشمه» در ایلام، «آب‌حسین» در فیروزآباد، «آبرود» در فومن، «آب‌شیرین» در کاشان، «آب‌گرم» در آوج، «آب‌ماهی» در مرودشت، «انجیرآب» در گرگان، «بلوچ‌آب» در زاهدان، «چال‌آب» در بیجار، «زردآب» در محمودآباد.

چشمه: این واژه نیز در نام مناطق مسکونی هم به عنوان پایه و هم به عنوان وندواره به کار رفته است. «چشمه‌بار» (چشمه + پسوند بار) در ابهر، «چشمه‌سر» (چشمه + پسوند سر) در بابل، «چشمه‌لاخ زرد» (چشمه + پسوند - لاخ) در بیرجند، «چشمه‌لی» (چشمه + پسوند لی) در کلاله، «چشمه‌انجیر» در سپیدان، «چشمه‌بید» در لرستان، «چشمه‌روبا» در بیجار، «چشمه‌زرد» در تربت جام، «چشمه‌سرد» در سمیرم، «چشمه‌علی» در بروجن، «چشمه‌قصابان» در بهار، «چشمه‌ماهی» در چرداول، «سفیدچشمه» در رامیان، «گرم‌چشمه» در نمین. معادل دیگر این واژه یعنی «خانی» و صورت گویشی آن یعنی «کانی» نیز در نام مناطق مسکونی رواج دارند و به لحاظ کاربرد و هم‌نشینی با واژه‌های متفاوت تقریباً همانند «چشمه» هستند. «خانی‌آب» در فیروزآباد، «کانی‌سفید» در دیواندره، «کانی‌دراز» در بوکان، «کانی‌لیلی» در کامیاران، «کانی‌ملا» در پیرانشهر، «گرم‌خانی» در سوادکوه، «هزارخانی» در سروآباد. همچنین، عمدتاً در مناطقی از ایران که زبان ترکی رایج است واژه‌های «بلاغ» و صورت مشتق آن «بلاغی» به معنی «چشمه» در نام مناطق مسکونی به کار می‌رود. «آق‌بلاغ» در سنقر، «اوزون‌بلاغ» در فریدن، «پیربلاغ» در جلفا، «خواجه‌بلاغ» در مشکین‌شهر، «سبزبلاغ» در روانسر، «شاه‌بلاغی» در دماوند، «قوچ‌بلاغی» در ساوه.

دریا: به سبب اقلیم خشک ایران منابع آبی عظیم مانند دریا در آن چندان وجود ندارد. بنابراین استفاده از این واژه در نام مناطق مسکونی نیز بسیار کم کاربرد است و عملاً به چند نام در

نظر بوده‌است تا اجرام آسمانی. ازجمله این نام‌هاست: «شمس‌آباد» (شمس + پسوند -آباد) در تهران، «شمسک» (شمس + پسوند -ک) در سنقر، «شمسیه» (شمس + پسوند -یه) در نیشابور.

ماه: «ماهکی» (ماه + دو پسوند -ک و -ی) در منوجان، «ماهین» (ماه + پسوند -ین) در قزوین، «آب‌ماه» در بندرعباس، «ماه‌شهر» (ماه + وندواره شهر) در خوزستان، «ماه‌نشان» در زنجان. صورت ثانوی «ماه» به صورت «مه» نیز در نام مناطق مسکونی دیده می‌شود، برای مثال «مه‌آباد» (مه + پسوند -آباد) در اردستان، فیروزکوه و... .

همچنین، در نام مناطق مسکونی ایران به صورت پراکنده نام‌هایی وجود دارد که بسامد اندکی دارند و صورت پایه در آنها یا عربی است یا به احتمال زیاد به نام اشخاص اشاره دارد. اما از آنجاکه این نام‌ها لفظاً به حوزه آسمان مربوط است در اینجا به آنها اشاره خواهد شد. برخی نیز از زمره نزولات آسمانی مانند برف و باران هستند که غالباً با واژه‌های مربوط به حوزه آب‌ها همراه شده و کده نام ساخته‌اند. ازجمله این نام‌هاست: «آنجم‌آباد» (انجم + پسوند -آباد) در تهران، «نجم‌آباد» (نجم + پسوند -آباد) در سبزوار، «اخترآباد» (اختر + پسوند -آباد) در شهریار، «هوادر» (هوا + وندواره درق) در اردبیل، «باران‌آباد» (باران + پسوند -آباد) در مانه و سملقان، «بارانی» (باران + پسوند -ی) در هیرمند، «باران‌لو» (باران + پسوند -لو) در تبریز، «آب‌باران» در بهبهان، «چشمه‌بارانی» در کوه‌دشت، «برف‌آباد» (برف + پسوند -آباد) در اسلام‌آباد غرب، «برف‌گین» (برف + پسوند -گین) در کرمان، «برف‌وئیه» (برف + پسوند -وئیه) در زرنند، «برفیان» (برف + پسوند -یان) در خمین و تویسرکان، «تگرگ‌آب» در بروجن.

علاوه بر واژه‌هایی که مستقیماً مربوط به زمین و آسمان‌اند، تعدادی از واژه‌های دیگر نیز که به نوعی با هر دو این‌ها مربوط‌اند هم در ساخت نام مناطق مسکونی به کار می‌رود که می‌توان آنها را مربوط به اقلیم و آب‌وهوا و فصل‌های طبیعت دانست. در این نام‌ها به‌وضوح نوعی انگاره زیبایی و خوشایندی واژه‌های پایه در ساخت نام مناطق مسکونی مورد نظر بوده‌است. در واقع می‌توان گفت باتوجه به آنکه آب‌وهوای ایران از نوع گرم‌وخشک است و ساکنان ایران این نوع آب‌وهوا را بر سردی و سرما ترجیح

برگرفته از نام اشخاص بوده‌است. واژه‌های مربوط به آسمان در نام مناطق مسکونی هم در ترکیب با وندها و هم با وندواره‌ها به کار می‌روند.

آسمان: «آسمانجرد / آسمانگرد» (آسمان + پسوند -جرد / -گرد)، در جهرم؛ «آسمان‌بلاغی» (آسمان + وندواره بلاغی) در تکاب، «آسمان‌دره» (آسمان + وندواره دره؛ کلمه مرکب آسمان‌دره در متون فارسی به معنی «کهنکشان» نیز به کار رفته‌است) در کامیاران.

باد: «بادآبسر» (باد + آب + پسوند -سر) در نکا، «بادبر» (باد + پسوند -بر) در بوانات، «بادجان» (باد + پسوند -جان) در فریدن، «بادکی» (باد + پسوند‌های -ک و -ی) در اقلید، «بادوئیه‌علیا» (باد + پسوند -وئیه) در شهر بابک؛ «بادرود» (باد + وندواره رود) در فیروزکوه، «آب‌آباد» در مرودشت، «چشمه‌آباد» در سنقر کلیایی، «ده‌آباد» (ده + باد) در چادگان.

خور (شید): در میان نام‌های مربوط به حوزه آسمان نام خور یا خورشید بیشترین بسامد را در ساخت نام مناطق مسکونی دارد. صورت «خور» نسبت به «خورشید» در نام مناطق مسکونی رواج بیشتری دارد. گفتنی است در برخی از این نام‌ها ممکن است صورت «خورشید» در اشاره به نام اشخاص نیز باشد. ازجمله نام‌های ساخته‌شده با این جرم آسمانی است: «خورآباد» (خور + پسوند -آباد) در قم، «خوران» (خور + پسوند -ان) در طالقان، «خوربان» (خور + پسوند -بان) در ثلاث باباجانی، «خورجان» (خور + پسوند -جان) در خرم‌بید، «خورگان» (خور + پسوند -گان) در شیراز، «خوروئیه» (خور + پسوند -وئیه) در کرمان، «خورتاب‌سرا» (خور + تاب + پسوند -سرا) در رودسر، «خورشیدآباد» (خورشید + پسوند -آباد) در اردبیل، «خورشیدان» (خورشید + پسوند -ان) در درمیان، «خورشیدکلا» (خورشید + پسوند -کلا) در گلوگاه. علاوه بر واژه خورشید، کلمه «آفتاب» نیز در نام مناطق مسکونی ایران به کار رفته‌است، برای مثال در «آفتابدر» (آفتاب + پسوند -در) در قزوین، «برآفتاب» (پیشوند -بر + آفتاب) در هرسین. گفتنی است در برخی از نام‌های مناطق مسکونی معادل عربی خورشید، یعنی «شمس» نیز به کار رفته‌است. به نظر می‌رسد در این موارد نام اشخاص بیشتر مورد

تلقی می‌شود به‌طور کلی در جای‌نام‌ها حذف یا با واژه دیگری جایگزین شود. گفتنی است کاربرد نام این حیوانات در نام مناطق مسکونی گذشته از آنکه می‌تواند به فراوانی آن گونه جانوری در آن مکان اشاره داشته باشد، با الگوهای ذهنی انسان که از دیرباز در او شکل گرفته‌است هم می‌تواند مرتبط باشد، برای مثال نام گاو به‌خاطر نقشی که در تغذیه انسان دارد به‌نوعی نماد باروری و فراوانی نیز به‌شمار می‌آمده‌است. در اینجا به برخی از پربسامدترین نام‌های جانوری که در ساخت نام مناطق مسکونی نقش دارند اشاره می‌کنیم.

«آهوئی» (بافت)، «آهودشت» (ساری)، «اسب‌آباد» (بستان‌آباد)، «اسب‌سرا» (طوالش)، «آشترآباد» (بانه)، «آشترجین» (اسدآباد)، «بزیبشه» (قائن)، «فیل‌آباد» (فارسان)، «فیلستان» (پاکدشت)، «چغامیش» (دزفول)، «قوچ‌حصار» (تهران؛ نام امروزی: «گل‌حصار»، «گاوخانه» (اراک)، «گاوکده» (بهبهان)، «گاو‌میش‌آباد» (اهواز)، «وَرزده» (نور)، «گرازان» (قائنات)، «گرازوئی» (میناب)، «خوکستان» (جیرفت)، «گورخری» (نرماشیر)، «میمون‌آباد» (دهگلان)، «میمون‌دره» (ابهر)، «خَرگوش‌آباد» (نرماشیر)، «چغافرگوش» (کوه‌رنگ)، «پلنگ‌آباد» (دره‌شهر)، «شیرکوه» (قزوین)، «گَرگ‌تپه» (ورامین؛ نام امروزی: «شهید مدرس»)، «شغال‌تپه» (گالیکش؛ نام امروزی: «صادق‌آباد»، «خرس‌آباد» (کرمانشاه)، «زنبورک» (قم)، «پشه‌دان» (رستم)، «پشه‌لر» (گنبد کاووس)، «مگس‌ان» (بروجرد)، «موران» (کارون)، «مورچگان» (مسجدسلیمان)، «مارچی» (اصفهان)، «موش‌آباد» (ارومیه)، «موشک» (کاشمر)، «عقربلو» (شاهین‌دژ)، «آب‌زالو» (ممسنی)، «آب‌الوئی» (حاجی‌آباد)، «ماهی‌آباد» (میانه)، «ملخ‌دره» (فیروزه)، «طاووسیه» (ساوجبلاغ)، «بلبل‌آباد» (بشاگرد)، «کَبک‌آباد» (فسا)، «کبوترآباد» (اصفهان)، «کفترک» (شیراز)، «گنجشکی» (گناوه)، «خروسان» (ازنا)، «خروس‌دره» (قزوین)، «زاغان» (سنقر)، «زاغو» (نهبندان).

نام‌های مناطق مسکونی ساخته‌شده با نام گیاهان

ارتباط انسان با گیاهان مانند ارتباط انسان با جانوران امری کهن است و سابقه آن به زمان پیدایش انسان بر روی زمین بازمی‌گردد.

می‌دهند، نام‌های انتخابی برای کده‌نام‌ها با این مؤلفه بیشتر در تطابق است. از این دسته به این نام‌ها می‌توان اشاره کرد: «گرم‌آباد» (مرودشت)، «گرمستان» (ساری)، «گرمه» (مرودشت)، «خُشک‌آباد» (اردستان)، «خُشکین» (سروآباد)، «خُشک‌دان» (بویراحمد)، «بهارآباد» (سلماس)، بهارستان (جم)، «بهاره» (نهبند)، «بهاریه» (دلجان)، «نوروزان» (کوار)، «پاییزآباد» (چالدران)، «زمستانه» (فریدون‌شهر)، «تابستانق» (اهر).

نام‌های مناطق مسکونی ساخته‌شده با نام جانوران

هم‌زیستی انسان با جانوران و اهلی کردن برخی از آنها به دوران پیش از تاریخ باز می‌گردد و به‌نوعی می‌توان گفت انسان از زمان پیدایشش با جانوران در تماس بوده و برای برخی از آنها حرمت قائل بوده و سعی در حفظ و نگهداری آنها داشته و برخی دیگر را نیز زیانکار دانسته و سعی در نابودی یا دوری جستن از آنها کرده‌است. به هر روی می‌توان گفت که تعاملی که انسان در گذشته با جانوران داشته‌است بسیار عقلایی‌تر از امروز بوده و هرگز در گذشته مانند امروز شاهد از میان رفتن گونه‌های جانوری نبوده‌ایم. این تعامل و تماسی که انسان با جانوران داشته‌است هم در نام‌های خاص و هم در جای‌نام‌ها به بهترین صورت خود را نشان داده‌است. در نام‌های مناطق مسکونی موجود نیز این تعامل انسان با محیط جانوری به روشنی قابل رؤیت و مشاهده است. نکته قابل توجه دیگری که در کاربرد نام جانوران در نام مناطق مسکونی وجود دارد این است که نام حیوانات به‌هیچ وجه در این اسامی تحقیرآمیز تلقی نمی‌شده و درواقع نشان می‌دهد که تلقی انسان‌محوری در زمان وضع این نام‌ها بر ذهن واضعان آنها حاکم نبوده‌است و رویکرد بوم‌محور کاملاً غالب بوده‌است. نام‌های جانوری به‌کاررفته در نام مناطق مسکونی طیف متفاوتی از چارپایان، گربه‌سانان و سگ‌سانان، پرندگان و حشرات را شامل می‌شود. کاربرد این اسامی نشان می‌دهد که در زمان وضع این اسامی نام حیوانات مانند امروز توهین و معنای منفی را به ذهن واضعان این نام‌ها متبادر نمی‌کرده‌است، چراکه اگر چنین بود مانند امروز از کاربرد آنها امتناع می‌شد. چنان‌که در چند دهه اخیر سعی شده‌است تا برخی از نام‌های جانوری که توهین‌آمیز

بحث و نتیجه‌گیری

تا کنون تحقیقات انجام گرفته درباره نام مناطق مسکونی یا به‌طور کلی جای‌نام‌ها غالباً با رویکردهای متفاوت زبانی و به ندرت با توجه به مؤلفه‌های اجتماعی و هویتی نوشته شده‌است و در آنها غالباً به صورت ساختاری چنین واژه‌هایی توجه شده‌است و به انگاره‌های ذهنی‌ای که سبب انتخاب چنین نام‌هایی شده‌است پرداخته نشده‌است. از این گذشته، تأثیر زیست‌بوم طبیعی و رویکردهای متفاوت انسان نسبت به محیط زیست از خلال این نام‌ها اصلاً محل توجه نبوده‌است. حال آنکه با بررسی این نام‌های مشخص می‌شود که رویکرد بوم‌شناختی که در آن احترام و توجه به کارکردهای زندگی بخش محیط زیست اولویت دارد، و همچنین توجه به مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی و ویژگی‌ها و صفات ظاهری عناصر طبیعت در انتخاب نام‌های مناطق مسکونی مهم‌ترین نقش را ایفا کرده‌اند. بررسی دقیق این ویژگی‌های زیست‌بوم طبیعی در نام‌های مناطق مسکونی می‌تواند تکمیل‌کننده تحقیقات زبانی صرفی باشد که تا کنون درباره این نام‌ها انجام گرفته‌است.

چنان‌که داده‌های بررسی شده نشان می‌دهد بیشتر عناصری که در ساخت نام مناطق مسکونی ایران به کار رفته‌اند در زاینده‌گی و باروری طبیعت به نوعی نقش دارند و تکیه بر این نقش زاینده‌گی این عناصر در طبیعت سبب شده‌است تا نام‌هایی که بر این عناصر دلالت دارند در حوزه‌های دیگر نیز به کار روند. از سوی دیگر همین مؤلفه زاینده‌گی سبب به وجود آمدن ویژگی دیگری برای برخی از این عناصر گردیده و آن مؤلفه تقدس و حرمت دینی است. این مؤلفه نیز در کاربرد نام عناصر طبیعی و تکرار آنها در زمینه‌های ذهنی و عقیدتی انسان نقشی پویا داشته‌است. توجه به عناصر طبیعی و باور به تقدس آنها انگاره‌ای بسیار کهن است و سابقه آن را در اساطیر اقوام گوناگون می‌توان دید. در میان ایرانیان نیز از دیرباز احترام به طبیعت و تلاش در بالندگی و حفظ آن وجود داشته‌است. سابقه این باور علاوه بر آنکه در نقوش و آثار باستان‌شناختی کشف‌شده در ایران قابل رؤیت است در متون پیش و پس از اسلام نیز به وفور دیده می‌شود.

به‌طور کلی براساس طبقه‌بندی‌ای که برای واژه‌های مربوط به طبیعت در بالا ذکر شد به بررسی انگاره‌های ذهنی‌ای پرداخته

درواقع بدون گیاهان زندگی انسان بر روی زمین ناشدنی و اساساً غیرممکن است و از همان ابتدای خلقت نقش گیاهان در شکل‌گیری زندگی انسان در اسطوره‌ها و روایت‌های دینی به‌خوبی نمایانده شده‌است و در فرهنگ‌های متفاوت به «درخت زندگی» بارها اشاره شده‌است. گذشتگان ما برای گیاهان حرمت قائل بودند و به هر نوعی سعی می‌کردند تا در حفظ آنها بکوشند خواه به‌طور عملی و خواه با گذاردن نام آنها بر مکان‌ها و یا اشخاص. استفاده از نام‌های گیاهی در جای‌نام‌ها امری بسیار معمول و محسوس است و به‌خوبی ارتباط الگوی ذهنی انسان را با سبزی و محیط زیست نشان می‌دهد. گیاهانی که در ساخت نام مناطق مسکونی به‌کار می‌روند هم شامل گیاهان خوراکی هستند و هم غیرخوراکی. گفتنی است جنبه دارویی و شفابخشی گیاهان را می‌توان انگاره بسیار مهمی دانست که در ذهن بشر جایگاهی مهم دارد و همین امر یکی از دلایل استفاده از نام‌های گیاهی در خارج از بافت حوزه گیاهان شده‌است. در اینجا به برخی از نام‌های گیاهی که بسامد بیشتری در ساخت کده‌نام‌ها دارند و در مناطق گوناگون ایران به‌کار رفته‌اند اشاره می‌کنیم.

«اسفندآباد» (ملارد)، «اسفندیان» (مشهد)، «آنارچار» (نور)، «آنارستان» (بابل)، «آنارک» (خرم‌بید)، «آنارور» (نوشهر)، «آناروییه» (جیرفت)، «آناری» (ایران‌شهر)، «ناریان» (طالقان)، «انارده» (الموت)، «بادامدان» (بهمنی)، «بادام‌زار» (دشتی)، «بادامستان» (لنده)، «بادامک» (شهریار)، «باداموئیه» (راور)، «برنجستانک» (سوادکوه، با دو پسوند سستان و ک)، «برنجگان» (لنجان)، «برنج‌بن» (مینودشت)، «بیدآباد» (اصفهان)، «بیدستان» (ازنا)، «بیدک» (تایباد)، «بیدگرد» (رستم)، «بیدلی» (قزوین)، «بیدو» (جم)، «بیدوییه» (بردسیر)، «بیده» (سمیرم)، «پنبه‌جار» (بابل)، «پنبه‌در» (نهایند)، «تاکستان» (قزوین)، «چناران» (خراسان رضوی)، «چنارستان» (تاکستان)، «چنارلق» (خلخال)، «چنارو» (بردسیر)، «چناروئیه» (باقق)، «چناره» (سنندج)، «چنارقشلاق» (گرگان)، «دارآباد» (گالیکش)، «دارستان» (تفرش)، «دارک» (دزفول)، «دارین» (سبزوار)، «ریحان‌آباد» (ورامین)، «زعفران‌کلا» (بابل)، «سروکلا» (جویبار)، «زعفرانی» (دهلران)، «زعفرانیه» (ساوجبلاغ)، «سیرزار» (کلات)، «وَنک» (چادگان).

چنان‌که ذکر شد واژه‌های مربوط به زمین در ساخت نام مناطق مسکونی را می‌توان به دو بخش عمده پستی‌وبلندی‌های زمین و آب‌ها تقسیم کرد (نک: نمودار شماره ۲).

خواهد شد که در انتخاب نام مناطق مسکونی نقش داشته‌اند. از آنجاکه بررسی همه این انگاره‌ها بحثی مفصل و خارج از اندازه این مقاله است، در اینجا از هر دسته از واژه‌های بررسی‌شده فقط یک نمونه شرح داده خواهد شد.



نمودار ۲- واژه‌های مربوط به زمین در ساخت نام مناطق مسکونی

Diagram 2. Words related to land in the structure of the names of residential places

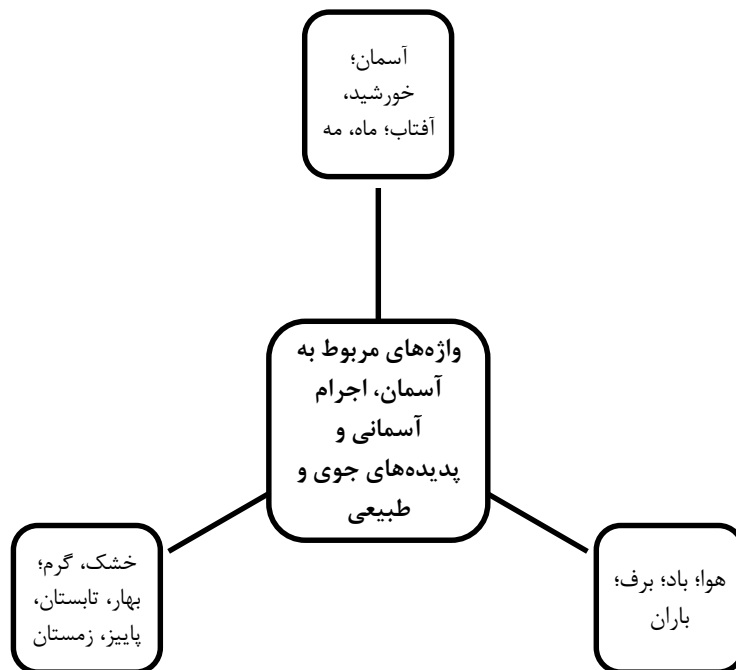
گذرگاه ورود به جهان برین بوده‌است. در اسلام نیز به نوعی بر قداست کوه‌ها اشاره شده‌است، برای مثال پیامبر اکرم (ص) در غار حرا در کوه جبل‌النور نخستین وحی الهی را دریافت کرد. امروزه نیز زیارتگاه‌ها و مقبره‌های مورد احترامی در اقصی نقاط ایران بر فراز یا دامنه کوه‌ها ساخته شده‌است.

از آنجاکه کشاورزی نقش مهمی در زندگی ساکنان ایران داشته‌است، آب نقشی حیاتی در زندگی اقوام ساکن در این سرزمین داشته و دارد و اصولاً هرگونه فرهنگ و تمدنی در این سرزمین در پیرامون منبعی آبی شکل گرفته‌است. پرکاربردترین واژه‌های این حوزه علاوه بر واژه آب، واژه‌های رود، چشمه و خانی است. علاوه بر صورت‌های فارسی، واژه‌های گویشی و محلی مربوط به این حوزه نیز در ساخت نام مناطق مسکونی کاربرد دارد که از آن جمله می‌توان به بلاغ، کانی و چای (به معنی «رود») اشاره کرد. آب به سبب آنکه با آبادانی و حاصلخیزی مرتبط است در ذهن آدمی به نماد زاینده‌گی و باروری مبدل شده و به مرور تقدس یافته‌است. آب در فرهنگ ایران چه در دوران پیش از اسلام و چه در دوره اسلامی اهمیت و جایگاهی الهی داشته‌است. جنبه قدسی

عوارض طبیعی روی زمین مانند کوه‌ها، دشت‌ها، دره‌ها و جنگل‌ها علاوه بر آنکه مکان اسکان و زندگی بشر بوده و هست و از این جهت برای وی دارای ارزش است، به مرور متصف به انگاره‌های ذهنی دیگری شده‌اند که برخی از آنها سبب شده‌است تا برخی از این عوارض طبیعی جنبه قدوسی و الوهی بیابند، برای مثال گاه در اساطیر می‌بینیم که کوه‌ها جایگاه خدایان یا قربانگاه به‌شمار می‌آیند و گاه عابدان و زاهدان در مناطق بکر طبیعت مانند کوه‌ها و جنگل‌ها به عبادت و ریاضت می‌پردازند. براساس ساخت و شکل ظاهری این عوارض انگاره‌های ذهنی دیگری چون ثبات، استواری، شکوه و عظمت هم برای آنها فرض می‌شود. تأثیر و نفوذ این انگاره‌ها سبب شده‌است تا رفته‌رفته نام این عوارض طبیعی در دیگر حوزه‌های زبان مانند صنایع ادبی تشبیه، استعاره و کنایه به کار رود و به سبب وجود آنها در یک ناحیه خاص در نام‌گذاری آن مکان هم استفاده گردد. برای مثال، از دیرباز کوه‌ها در میان اقوام گوناگون از جمله ایرانیان دارای قداست بوده و مراسم و آداب دینی ایرانیان گاه بر فراز کوه‌ها اجرا می‌شده‌است. در باور ایرانیان باستان البرز جایگاه داوری روان گذشتگان و

باورهای اساطیری نیز مایه حیات و جاودانگی تلقی شده و خاصیت شفابخشی و درمان هم برای آن لحاظ شده است. حوزه مهم دیگری از طبیعت که در ساخت نام مناطق مسکونی سهم قابل توجهی دارد، واژه‌های مربوط به آسمان و اجرام آسمانی و پدیده‌های جوی است (برای پرکاربردترین واژه‌های این حوزه، نک: نمودار ۳).

آب تا بدان حد بوده که در ایران باستان ایزدبانویی برای آن انگاشته شده و یکی از سرودهای اوستا با نام آب‌نیش به او اختصاص یافته است. در دوره اسلامی نیز آب حرمت خود را حفظ کرده و در فرهنگ عامه ایران آب مهر حضرت فاطمه (س) به‌شمار آمده است. در اسلام از آب به‌عنوان مایه آفرینش یاد شده و در



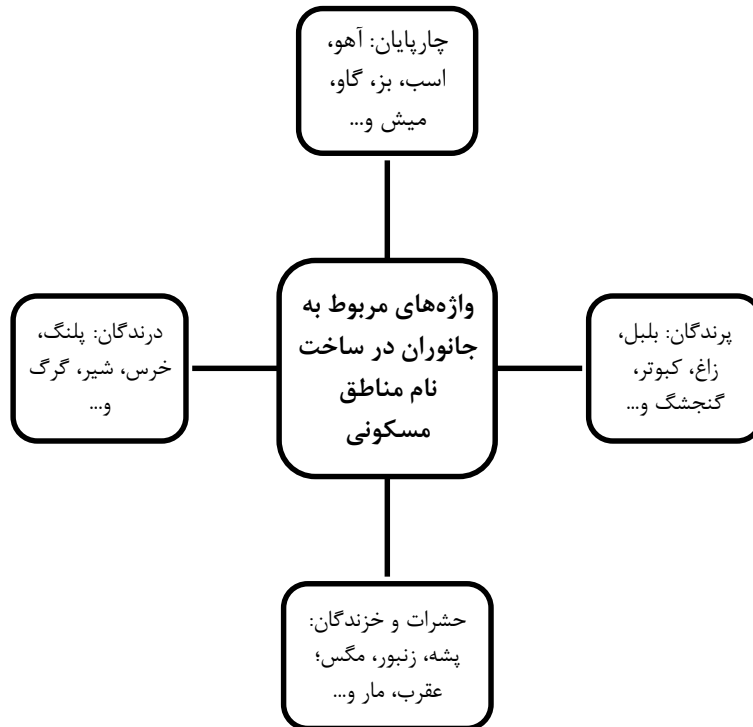
نمودار ۳- واژه‌های مربوط به آسمان در ساخت نام مناطق مسکونی

Diagram 3. Words related to the sky in the structure of the names of residential places

Pātišūvar در کتیبه‌های هخامنشی اشاره کرد که به معنی «قرارگرفته در پیش خورشید، رو به خورشید» است (۲۰). مفهوم حیات‌بخشی خورشید تا بدان حد است که در عباراتی مانند «آفتاب عمرش به زوال است» دقیقاً معنی حیات و زندگی را می‌رساند. از دیگر انگاره‌های ذهنی مرتبط با خورشید که در ادب فارسی هم بازتاب یافته است می‌توان به این موارد اشاره کرد: از آنجاکه خورشید به‌طور یکسان بر همه چیز می‌تابد و حیات می‌بخشد به‌عنوان نمادی از بخشندگی و جود به‌شمار آمده است. همچنین، یگانگی و بی‌نظیر بودن خورشید در میان اجرام آسمانی سبب شده است تا از آن مفهوم وحدانیت استنباط شود. یکی دیگر از بخش‌های زیست‌بوم طبیعی که انسان با آن در تعامل گسترده است، حوزه جانوران است. واژه‌های مربوط به این

از مهم‌ترین اجرام آسمانی خورشید و ماه هستند که به سبب نقش ملموسی که در زندگی بشر دارند نزد بسیاری از اقوام مورد تکریم و ستایش بوده‌اند. در ایران از دوران پیش از اسلام خورشید جایگاهی ایزدی داشت و در دوران اسلامی نیز خورشید همچون رمزی عرفانی به‌شمار آمده و دارای ویژگی‌های قدسی در ادب فارسی تلقی شده است. مهم‌ترین کارکرد خورشید یعنی زدودن تاریکی دست‌مایه‌ای برای انگاره حیات‌بخشی این جرم آسمانی شده و همین ویژگی حیات‌بخشی و روشنایی‌بخشی خورشید سبب شده است که در دین زردشتی به پرستش برخی از ایزدان در فاصله طلوع و غروب خورشید توصیه شود. به سبب باور به قداست خورشید، ایرانیان از دیرباز در ساخت نام مناطق مسکونی از واژه خورشید استفاده کرده‌اند، برای مثال می‌توان به جای‌نام

حوزه در ساخت نام مناطق مسکونی کاربرد بسیار گسترده‌ای دارد و می‌توان واژه‌های این حوزه را به چند شاخهٔ متفاوت تقسیم کرد (نک: نمودار ۴).

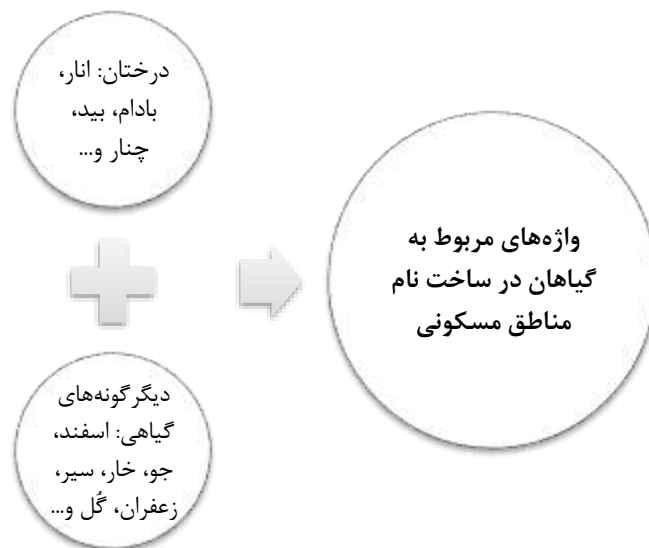


نمودار ۴- واژه‌های مربوط به جانوران در ساخت نام مناطق مسکونی

Diagram 4. Words related to animals in the structure of the names of residential places

طی جنگی نمایشی گاوها را پس می‌گیرند و بدین ترتیب امیدوارند که باران برکت و فراوانی به روستا بازگردد (نک: ۲۲). از آنجاکه حیات انسان و دیگر جانوران در طبیعت وابسته به گیاهان و زیست‌بوم گیاهی است، از دیرباز انگاره‌های ذهنی گوناگونی دربارهٔ آنها برای انسان شکل گرفته و واژه‌های این حوزه در دیگر حوزه‌های زندگی انسان نیز به‌کار رفته‌است که از این میان کاربرد نام گیاهان در نام‌گذاری مناطق مسکونی شواهد فراوانی دارد. واژه‌های مربوط به گیاهان را به‌طور کلی می‌توان به دو بخش واژه‌های مربوط به درختان و واژه‌های مربوط به دیگر گونه‌های گیاهی تقسیم کرد (نک: نمودار شماره ۵).

از جمله جانوران بسیار سودمند که در زندگی مادی انسان نقشی اساسی داشته، گاو است. گاو در باور ایرانیان باستان موجودی مقدس به‌شمار می‌آمد و در دوران اسلامی نیز موجودی سودمند تلقی شده و حتی یکی از سوره‌های قرآن به نام این جانور است. با بررسی آثار به‌جامانده از دوران‌های گذشته باید گفت که گاو غالباً نماد باروری و فراوانی تلقی شده‌است و هنوز نیز این انگاره بیش‌وکم در اذهان ایرانیان رواج دارد. برای مثال در فصل‌های کم‌آبی در مناطقی در غرب ایران، حوالی کرمانشاه، به‌طور نمادین زنان یک روستا گاوهای روستای همسایه را آن‌گاه که آنها خود را به خواب زده‌اند می‌ربایند و سپس زنان روستای دزدده در



نمودار ۵- واژه‌های مربوط به گیاهان در ساخت نام مناطق مسکونی

Diagram 5. Words related to plants in the structure of the names of residential places

روی هم رفته باید گفت نام مناطق مسکونی به دلیل بسامد بالایی که در گفتار روزمره دارد می‌تواند نقش مهمی در گفتمان‌سازی و الگوهای ذهنی آحاد جامعه ایجاد کند، بنابراین تکرار نام‌های مربوط به محیط زیست طبیعی در نام مناطق مسکونی می‌تواند در ناخودآگاه گویشوران نوعی دغدغه ذهنی برای حفظ محیط زیست را برانگیزد. همچنین، در این پژوهش به‌خوبی روشن شد که در انتخاب نام‌های مناطق مسکونی ایران رویکرد بوم‌محورانه رویکرد غالب است. این رویکرد بوم‌محورانه در هماهنگی کامل با محیط زیست قرار دارد و در واقع بازتاب‌دهنده رویکرد درست گذشتگان به محیط زیست است. در رویکرد بوم‌محور انسان مانند دیگر موجودات بخشی از طبیعت است و نه حاکم بر آن و همراه با دیگر اجزای طبیعت نقشی مشارکتی در طبیعت ایفا می‌کند. بررسی واژه‌های کده‌نام‌های ایران نشان می‌دهد که نگاه و رویکرد ساکنان ایران نسبت به مردم امروز بسیار زنده‌تر و پویاتر بوده و انسان همراه با دیگر موجودات بخشی از طبیعت به‌شمار می‌آمده‌است. در واقع می‌توان گفت که در انتخاب نام مناطق مسکونی در گذشته، برخلاف امروز، نگاه انسان‌محوری و گونه‌گرایی رویکرد غالب نبوده‌است و به دیگر اجزای طبیعت مانند جانوران، گیاهان و مانند آن با نگاهی تحقیرآمیز نگریده نمی‌شد و نام همه موجودات طبیعت در ساخت چنین نام‌هایی می‌توانست نقش داشته باشد. همچنین، تحلیل این جای‌نام‌ها و

بنابر تفاسیر دینی و اساطیری ارتباط انسان با گیاهان از همان ابتدای خلقت بشر آغاز شده‌است و همین امر موجب به وجود آمدن انگاره‌های ذهنی پایداری در ذهن بشر شده که تا به امروز برخی از این انگاره‌ها فعال هستند و جوانب گوناگون زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین، باور به گیاه‌تباری یا خلقت انسان از گیاه نیز انگاره‌ای کهن است و در دین زردشتی نیز نخستین زوج انسانی از دو ساقه درهم‌تنیده گیاه ریواسی به وجود می‌آیند (۲۳). روی هم رفته از مهم‌ترین انگاره‌های ذهنی مرتبط با گیاهان به این موارد می‌توان اشاره کرد: تقدس، برکت و فراوانی، باروری، شفابخشی و جاودانگی. از میان گیاهان بسیار مورد توجه برای مثال می‌توان به انار اشاره کرد که علاوه بر خاصیت دارویی و درمانی‌اش در باورهای دینی ایرانیان نیز دارای جنبه قدوسی است و در دین زردشتی و در قرآن کریم و همچنین در احادیث و روایات دینی به این گیاه و مصرف آن اشاره شده‌است. حتی امروزه در نزدیکی امامزاده‌ها و بالای تپه‌ها تک‌درخت‌های انار را مقدس می‌شمارند و به آن دخیل می‌بندند (۲۴). به سبب همین انگاره‌های ذهنی مرتبط با این گیاه است که سبب شده تا نام آن در ساخت نام مناطق مسکونی به کرات به کار رود و شاهد صورت‌هایی مانند «انارجار، انارستان، انارک، انارور، اناروییه، انارده و ناریان» در نقاط گوناگون ایران باشیم.

- Perspective. Journal of Language Researches, Vol. 11, No. 2, pp. 1-24. (In Persian)
7. **Muhlhausler, P. (2003).** *Language of environment, environment of language: A Course in Ecolinguistics.* London, Battle Bridge.
 8. Sapir, E. (1912). Language and Environment. *American Anthropologist*, Vol. 14, No. 2, pp. 226-242.
 9. Nettle, D. (1998). Explaining Global Patterns of Language Diversity, *Journal of Anthropological Archeology*, Vol. 17, pp. 354-374.
 10. Steffensen, S.V. & Fill, A. (2014). Ecolinguistics: The State of the Art and Future Horizons, *Language Sciences*, Vol. 41, pp. 6-25.
 11. Botkin, D.B. and Keller, E.A. (2011). *Environmental Science: Earth as a Living Planet.* USA, John Wiley & Sons, Inc.
 12. Farshidvard, Kh. (2009). *Contemporary Concise Grammar based on the New Linguistics.* Iran, Tehran, Sokhan. (In Persian)
 13. Refahi Alamdari, F. (2015). *Principles of Toponymy and a Glance at Toponyms of Iran.* Iran, Tehran, Author. (In Persian)
 14. Ahadian, M.M. (2010). Morphological survey of Hamedan's Toponyms. *Language and Linguistics*, Vol.6, Issue 12, pp. 129-148. (In Persian)
 15. Razmara, H.A. (1949-1953). *Geographical Dictionary of Iran.* 10 vols. Iran, Tehran, Geographical Centre of the Army Headquarters. (In Persian)
 16. *Geographical Dictionary of the Settlements of the Islamic Republic of Iran (1992-1999).* Iran, Tehran,
- شناخت بهتر اجزای تشکیل دهنده آنها در انتخاب نام‌های تازه، که مطابق با رویکرد زیست‌محیطی باشد، می‌تواند سودمند واقع شود. در واقع، انتخاب نام مناطق مسکونی تازه با رویکرد بوم‌محورانه می‌تواند نگرشی مثبت و هماهنگ با طبیعت و لزوم حفظ و مراقبت از آن را به‌طور ناخودآگاه به ذهن گویندگان این نام‌ها وارد کند و در تعامل انسان با طبیعت نقش مثبتی ایفا کند. روی هم رفته باید گفت که انجام مطالعه گسترده و جامع درباره نام مناطق مسکونی و به‌طور کلی جای‌نام‌های ایران می‌تواند یک طرح پژوهشی ملی و میان‌رشته‌ای باشد که نیازمند مشارکت متخصصان و محققان علوم گوناگون است تا بتوان این نام‌ها را با شاخص‌های متفاوت زبانی، تاریخی، جغرافیایی، زیست‌محیطی، اجتماعی و انسان‌شناختی و جز آن بررسی کرد.

References

1. Parsapoor, Z. (2013). *About Ecocriticism, Iran, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies.* (In Persian)
2. Shahnasari, Sh. (2009). *The Role of the Language and Science in Intensifying Environmental Crisis: An Ecolinguistic Perspective, Language and Linguistics, Vol. 5 (10), pp. 1-26.* (In Persian)
3. Haugen, E. (2001). *The Ecology of Language.* Fill, A. and Muhlhausler, P. (Eds.), *The Ecolinguistics Reader: Language, Ecology and Environment,* pp. 57-66. London, Continuum.
4. Ghatreh, F. et al. (2015). *Ecological Approach in Linguistic Researches. Zabanshenakht (Language Studies), Vol. 6, Issue 11, pp. 231-243.* (In Persian)
5. Stibbe, A. (2016). *Ecolinguistics, Tr.* by F. Agha Glozadeh, Iran, Tehran, Neveeseh Parsi publisher. (In Persian)
6. Afshar, T. and Abdi Boloukani, M. (2020-2021). *Analysis of Human-Nature Interaction in the Persian Proverbs: An Ecolinguistics*

- Their Use and Background, *Journal of Iranian Studies*, Vol. 40, pp. 233-266. (In Persian)
21. MacKenzie, D.N. (1986). *A Concise Pahlavi Dictionary*. London, Oxford University Press.
22. Beyzai, B. (2004). *Searching the Roots of the Old Tree*. Iran, Theran, Roshangaran and Motale'at-e Zanan. (In Persian)
23. Amuzgar, J. (1995). *Mythological History of Iran*. Iran, Tehran, Samt. (In Persian)
24. Yahaghi, M.J. (2007). *Dictionary of Myths and Stories in Persian Literature*. Iran, Tehran, Farhang-e Mo'aser. (In Persian)
- Geographical Organization of the Armed Forces. (In Persian)
17. Kasravi, A. (1973). *Kasravi's Karvand (Collection of Articles)*. ed. Y. Zoka. Iran, Tehran, Franklin. (In Persian)
18. Sadeghi, A.A. (1992). *Methods and Possibilities of Word Formation in Contemporary Persian (4-5)*. Knowledge Publication, Vol. 69-70, pp. 21-25; 39-45. (In Persian)
19. Sadeghi, A.A. (2005). *Etymology of Some Geographical Names Related to Yazd*. *Iranian Studies*. ed. I. Afshar et al. Iran, Tehran, Dr. Mahmoud Afshar Foundation. pp. 613-623. (In Persian)
20. Tame, M. (2021). *The Study of Words Related to Nature and Natural Phenomena in Iranian Oykonyms:*